

امروزه و در جهان معاصر، مفهوم استعمار در حوزه‌ی مردم‌شناسی جایی ندارد و با نزدیک شدن ملل مختلف به یکدیگر، فرهنگ‌ها، سنت‌ها و آیین‌ها و مناسبات انسانی و رابطه‌ی متقابل تمدن‌ها و فرهنگ‌های بومی مورد توجه بیش از پیش مردم‌شناسان در حوزه‌ی علوم اجتماعی قرار گرفته است. اما جایگاه سینما و به خصوص سینمای مستند در ارتباط با مردم‌شناسی و در فیلم‌های مردم‌شناسی تک‌نگاشت در کجا واقع شده است؟ آغاز فیلم‌های مردم‌شناسی در پیدایش هنر سینما مقارن با فعالیت دو مستند ساز برجسته، رابرت فلاهرتی (Robert Flaherty) و ژیگاورتف (Dziga Vertov) همراه است. در واقع فعالیت‌های این دو فیلمساز آمریکایی و روسی در ابتدای سال‌های ۱۹۲۰ حوزه‌های جدیدی را در روش‌شناسی این نوع فیلم‌ها و به عبارتی فیلم تک‌نگاشت مطرح ساخت. اگر چه نمی‌توان فیلم‌های موآنا (Moana) و نانوک شمالی (Nanook of the North) ساخته‌ی رابرت فلاهرتی را به طور دقیق فیلم‌های تک‌نگاشت مردم‌شناسی تلقی کرد اما روش‌های ساخت این دو فیلم توسط فلاهرتی با بهره‌گیری از شیوه‌های تک‌نگاشت در علم مردم‌شناسی صورت پذیرفت. در حقیقت این دو فیلم را می‌توان شروع فیلم‌های مردم‌شناسی در سینمای مستند پنداشت.

فیلم‌های ورتف نیز در ارتباط با جامعه‌ی روسیه‌ی پس از انقلاب، قابل بررسی است. دیدگاه ورتف در ارتباط با سینما-حقیقت (cinema-truth)، در ساختار و تحول فیلم‌های مستند مردم‌شناسی در سال‌های بعد مورد توجه مردم‌شناسان فیلم‌سازی همچون ژان روش (Jean Rouch) قرار گرفت. مقارن با این تحولات در زمینه‌ی فیلم‌های مستند مردم‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تک نگاشت و فیلم‌های مردم‌شناسی ایران

دکتر شهاب الدین عادل

(عضو هیأت علمی دانشگاه هنر)

اشاره:

مقاله‌ای که در پی خواهد آمد به موضوع تک نگاشت در علم مردم‌شناسی و مطالعات و تحقیقاتی که به صورت تصاویر سینمایی، تحت عنوان فیلم‌های مستند مردم‌شناسی، انجام گرفته است، می‌پردازد. از این رهگذر، ابتدا تعریفی مبتنی بر شناخت مفهوم تک نگاشت در حوزه دانش مردم‌شناسی، روش تحقیق در این گونه تک‌نگاری‌ها و بررسی برخی فیلم‌های مستند مردم‌شناسی ایران ارائه خواهد شد که تا چه پایه دارای ویژگی‌های فیلم تک‌نگاشت هستند.

دانش مردم‌شناسی و سینمای مستند مردم‌شناسی در یک نگاه:

آنچه امروزه تحت عنوان تک نگاشت (monography) در حوزه‌ی علم مردم‌شناسی وجود دارد، مفهومی منحصر به علوم اجتماعی به خصوص مردم‌شناسی (ethnography) نیست، واژه‌ی تک نگاشت و مفهوم آن در پژوهش‌های علمی دیگر نیز همواره به کار می‌رود و به معنای پژوهشی است که منحصر به یک موضوع خاص است. این بدان معناست که در اغلب علوم، این واژه کاربرد داشته و دارد، اما آنچه تحت عنوان تک‌نگاشت در علم مردم‌شناسی به کار می‌رود، امروزه نیز به معنای کلاسیک آن تلقی نمی‌شود. تقریباً در دوران معاصر، این واژه در حوزه‌ی علم مردم‌شناسی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا که معنا و مفهوم آن و تلاش‌های طاق‌فرسایی که بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی، به خصوص مردم‌شناسان پیش از این انجام داده‌اند، امروزه با روش‌ها و سبک و سیاق‌های دیگری در این حوزه صورت می‌پذیرد. اصولاً پژوهش‌های مردم‌شناسی در گذشته‌ی دور از راه‌های مختلف صورت می‌گرفت؛ شخص مردم‌شناس از روش‌های نگارش کتاب و مقالات و

تهیه عکس، صدا و تصویرهای سینمایی این مهم را انجام می‌داد، اما مسئله‌ای مهمتر در انجام این کار وجود داشت که تعریف اساسی مردم‌شناس تلقی می‌شد؛ مردم‌شناس برای تهیه این گونه پژوهش‌ها، با موضوع خود به سر می‌برد، این بدان معناست که به جای استفاده از روش کتابخانه‌ای، مستقیماً به مشاهده‌ی موضوع مورد پژوهش می‌پردازد. پس از مطالعات بنیادی در میان آن اقشار و اقوام همانند آنها به مدت طولانی زندگی می‌کرد، همانند آنها خوراک می‌خورد، سخن می‌گفت، می‌خوابید، شکار می‌رفت، خانه می‌ساخت، در جشن‌ها و آیین‌های عروسی و تدفین آن‌ها حضور می‌یافت و از همه مهمتر به زبان آنها سخن می‌گفت و در تعامل کامل با این اقوام قرار می‌گرفت تا بتواند پژوهش‌های میدانی خود را به صورت مشاهده‌ای و دقیق تهیه کند.

این فرآیند در بعضی مواقع مدت زمانی قریب به چند ماه و حتی سال‌ها به طول می‌انجامید. نتیجه‌ی حاصل از این نوع فعالیت را در حوزه مردم‌شناسی «تک نگاشت» یا «مونوگرافی» می‌گفتند. روشی که در گذشته مردم‌شناسان به آن مبادرت می‌ورزیدند تا بتوانند این تک‌نگاری‌ها را تهیه کنند. حضور و زندگی در میان اقوام بدوی و خاص در نقاط دوردست کره‌ی خاکی و مناطقی بود که زندگی و تیره‌های انسانی با روش‌ها و اشکال کاملاً غیر متعارف در آنجا زندگی می‌کردند.

پیش از آنکه در تاریخ تفکر غرب، بررسی خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های بومی اهمیت اساسی یابند، اغلب این گونه فعالیت‌ها در حوزه‌ی مسائل سیاسی از جمله استعمار صورت می‌پذیرفت. اصولاً مردم‌شناسی یا به تعبیری قوم‌شناسی مقارن با مسئله استعمار و پیدایش این تفکر در ملل پیشرفته اروپایی و غربی بود و در نتیجه، استعمار و قوم‌شناسی در ابتدای راه رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر داشتند.

به وجود آمده، است. که دیگر در آنها دوربین فیلمبرداری به عنوان یک ابزار ساده‌ی ضبط وقایع نیست که جانشین دوربین عکاسی یا مداد طراحی مردم‌شناسان نسل‌های پیشین شده باشد.

سینمای مردم‌شناسی در ایران:

اصولاً در زمینه‌ی سینمای مردم‌شناسی ایران مطالعات علمی گسترده‌ای نشده است، اما مختصر آنکه از گذشته‌های نه چندان دور، تعدادی از محققان مردم‌شناس ایرانی عکس‌های متعددی از ایلات و فیلم‌های اندکی از عشایر تهیه کرده‌اند که متأسفانه هنوز این آثار یک جا جمع‌آوری نشده است. در این میان باید به این نکته توجه داشت که یکی از مهم‌ترین کاربردهای هنر سینما، ثبت کردارها، رفتارها و هنجارها، رسوم، آیین‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی جوامع و گروه‌های مختلف انسانی است. به این طریق با فیلم‌های مردم‌شناسی می‌توان به هویت فرهنگ‌های قومی و بومی در ایران دست یافت.

حضور اقوام و تیره‌های متنوع در جغرافیای انسانی سرزمین پهناور ایران، زمینه بسیار خوبی برای مطالعات مردم‌شناسی و به خصوص تهیه‌ی فیلم‌هایی در این زمینه است. در واقع، نخستین تلاش‌ها در این ارتباط آن هم نه به صورت بنیادی بلکه با رویکردی سیاحتی در سال ۱۹۲۴ توسط دو فیلم‌ساز انگلیسی و آمریکایی به نام‌های مریان سی. کوپر (Merian C. Cooper) و ارنست بی. شوڈساک (Ernest B. schoedsack) ساخته شد. ماحصل تلاش این دو تن، فیلم علف (Grass) است که مهاجرت ایلات بختیاری را نشان می‌دهد. این فیلم بیشتر یک اثر مشاهده‌گراست و از جنبه‌های تحقیقی و مطالعات مردم‌شناسانه بهره‌دقیقی نبرده است؛ هر چند که این اثر توسط فیلم‌سازان ایرانی ساخته نشده است؛ اما به هر حال سرآغازی مهم برای سینمای مردم‌شناسی ایران و حتی جهان تلقی می‌شود.

ارتباط با زندگی عشایر در سال ۱۳۴۲ فیلم شقایق سوزان و در سال ۱۳۵۲ فیلم گوسفندها باید زنده بمانند توسط هوشنگ شفتی، فیلم‌ساز ایرانی و آنتونی هووارث ساخته شدند که هیچ‌کدام به صورت تک‌نگاشت نبودند. در این دو فیلم نیز همانند فیلم علف موضوعات متنوع و حتی جدای از بحث‌های اساسی مردم‌شناسی مورد توجه فیلم‌سازان قرار گرفته بود اما به هر حال از جنبه‌های قوم‌شناسی نیز بی‌بهره نبودند.

شاید بتوان فیلم بلوط ساخته نادر افشار نادری تهیه شده در سال ۱۳۴۶ را نمونه‌ای قابل‌پذیرش به عنوان یک تک‌نگاشت در سینمای مستند ایران تلقی کرد؛ اگرچه بعضی معتقدند به صورت قاطع نمی‌توان آن را یک تک‌نگاشت محسوب کرد. این فیلم برای مؤسسه‌ی تحقیقات اجتماعی ساخته شد و افشار نادری دارای تحصیلات عالی در علوم اجتماعی، به خصوص مردم‌شناسی بود و شاید به همین دلیل اثر خود را به صورت تک‌نگاشت ساخته بود. موضوع اصلی فیلم دانه‌ی «بلوط» و تأثیر آن در ایلات عشایر و زندگی این قوم بود. در واقع، میوه‌ی بلوط بهانه‌ای برای طرح مسائل مهم و پژوهش‌های مردم‌شناسی در این گونه تیره‌های انسانی بود. در این میان می‌توان فیلم مستند غلامحسین طاهری دوست را که در سال ۱۳۵۲ با عنوان بلوط ساخته شد نیز یک تک‌نگاشت دیگر دانست زیرا که فیلم‌ساز توجه خاص خود را به موضوعی خاص تر و آن تهیه نان از درخت بلوط متمرکز کرده بود.

رابرت فلاهرتی، چند نما از فیلم نانوک شمال





در علوم مردم‌شناختی و به خصوص قوم‌شناسی نیز تحولاتی به وقوع پیوست و دیدگاه‌های انسان‌شناسان و قوم‌شناسان مهمی از جمله مارسل موس (Marcel Mauss)، برونیسلاو مالینوسکی (Bronislaw Malinowsky) و آندره لروی گوران (Leroi Gourhan) باعث رونق و توسعه‌ی این علم در سال‌های ۱۹۵۰ شد و باعث فعالیت‌های فراوانی در حوزه‌ی پژوهش‌های تک‌نگاشت و همچنین تهیه فیلم‌های تک‌نگاشت گردید.

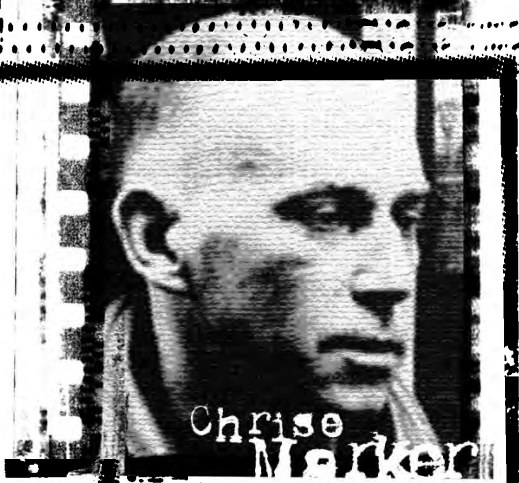
برونیسلاو مالینوسکی هدف غایی مردم‌شناسی را چنین تعریف می‌کند: «مردم‌شناسی عبارت است از شناخت دیدگاه و جهان بینی انسان بومی و این که چگونه به جهان می‌نگرد و جهان از دیدگاه او چگونه دیده می‌شود.» از این رو، پژوهشگرانی که جهت تهیه تک‌نگاشت چه به صورت نوشتار و چه به صورت عکس یا صدا و تصویر سینمایی به سراغ اقوام مختلف می‌رفتند، بیشتر به تهیه‌ی مواردی از جمله کاربرد ابزار سنتی، نحوه اجرای مراسم و مناسک، چگونگی شکار و تنازع بقاء، خانه‌سازی و کلیه اموری که زندگی قبایل بدوی را تشکیل می‌داد، می‌پرداختند.

مستندسازان مردم‌شناس نیز توجه خود را در تهیه‌ی تک‌نگاری‌های سینمایی به چنین اموری معطوف ساختند. البته مستندسازان از روش‌هایی چون دوربین مشاهده‌گر (observational camera)، دوربین شرکت‌کننده (participent camera)، سینمای مستقیم (direct cinema) و سینما-حقیقت (cinema-truth) بهره می‌جستند. از مهم‌ترین فیلمسازان مستند مردم‌شناس که اغلب نتایج پژوهش‌های تصویری خود را به صورت تک‌نگاشت تهیه می‌کرد، ژان روش فرانسوی بود. او با همکاری ادگار مورن (Edgar Morin)، جامعه‌شناس فرانسوی، کارهای ارزنده‌ای به صورت تک‌نگاشت در زمینه مردم‌شناسی تهیه کرد. به زعم این پژوهشگر و سینماگر مردم‌شناس، جنبه‌های زیبایی‌شناسی سینمای مستند آن قدر حائز اهمیت نمی‌باشد. او نسبت به چارچوب‌های ساخته شده‌ی ذهنی از قبل نزد فیلم‌سازان مستند انتقاد داشت.

او معتقد بود که موضوع مردم‌شناختی، خود، شرایط دوربین و موقعیت فیلم‌ساز را مشخص می‌کند، بنابراین، هر چند ممکن است که در مقابل دوربین اتفاقاتی غیر منتظره رخ دهد اما مانعی ندارد که این رویدادها نیز جزیی از فیلم تلقی شود.

در سال‌های اخیر کلود دو فرانس (Claud de France) در شیوه و روش خود در تولید و برخورد با موضوعات انسان‌شناسی، دو مفهوم «ارایه» و «اکتشاف» را مطرح کرده است. او فعالیت‌های انسانی را که به تصویر نهایی تبدیل می‌شوند به سه حوزه تقسیم می‌کند، این سه حوزه عبارت هستند از: اول، حرکات و رفتار آدم‌ها (منظور حرکات و رفتار جسمانی آنهاست). دوم، جنبه‌های مادی شامل ابزار و اشیایی که بر روی آنها کاری از سوی آدم‌ها صورت می‌پذیرد و سوم، آیین‌ها، مناسک و آداب و رسوم که به صورت آیینی، آدم‌ها در قبایل یا در حوزه‌های جغرافیایی گوناگون انجام می‌گیرد.

به هر صورت، همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، امروزه تحولات مهمی در نگاه‌ها و روش‌شناسی‌ها در حوزه‌ی پژوهش‌های مردم‌شناسی



کریس مارکر



ادگار مورن

مقارن با تحولات در زمینه‌ی
فیلم‌های مستند مردم‌شناسی، در
علوم مردم‌شناختی و به خصوص
قوم‌شناسی نیز تحولاتی به وقوع پیوست
و دیدگاه انسان‌شناسان و قوم‌شناسان
مهمی از جمله مارسل موس،
برونیسلاو مالینوسکی و آندره لروی گوران
باعث رونق و توسعه‌ی این علم
در سال‌های ۱۹۵۰ شد

می‌باشد، ما را به نتیجه‌ی مطلوب یعنی مفهوم «تک‌نگاشت» در سینمای
مستند رهنمون نمی‌سازد. شاید علت اساسی آن است که اصولاً تک‌نگاری
مفهوم و معنایی است که در حوزه‌ی علوم مردم‌شناسی قرار دارد و
همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، برای نخستین بار مردم‌شناسان
بودند که از «تک‌نگاشت» استفاده به عمل آوردند و کم‌کم آن را به
حوزه‌ی سینمای مستند گسترش دادند. در حقیقت فیلم‌سازان مستند
در ایران اصولاً دارای پشتوانه مطالعات مردم‌شناسی آن هم به صورت
دانشگاهی نبوده‌اند. آنها حتی از محققان مردم‌شناسی نیز در تهیه‌ی
این گونه فیلم‌ها کمتر استفاده به عمل آورده‌اند، هر چند که نمی‌توان
بهره‌جویی از متون مردم‌شناسی توسط فیلم‌سازان را انکار کرد، اما به هر
حال، در ساختار فیلم مستند در ایران کمتر شاهد مردم‌شناسان سینماگر
بوده‌ایم. اگر هم به نمونه‌هایی اندکی، در تاریخ فیلم مستند در ایران،
برخورد می‌کنیم ناشی از همین پشتوانه‌هاست. از جمله کار ارزشمند بلوط
ساخته‌ی افشار نادری و یا فیلم باد جن ساخته‌ی ناصر تقوایی که با
بهره‌گیری از یک متن تحقیقاتی به ثمر رسیده است.

به نظر می‌رسد فیلم‌های مستند تک‌نگاشت در ایران، اغلب به سوی
سینمای مستند توصیفی توجه نشان می‌دهند، زیرا که سازندگانشان،
ماحصل موضوعات خاص و سوژه‌های خاص را «تک‌نگاشت» تلقی
می‌کنند اما در اغلب همین فیلم‌های مستند توصیفی علیرغم اینکه
سازندگان قصد داشتند به یک موضوع خاص توجه کنند، مسایل
حاشیه‌ای و پراکنده‌ی بسیاری باعث از دست رفتن ماهیت همان موضوع
خاص شده و آن را از ویژگی‌های تک‌نگاری دور ساخته است. شاید یکی از
دلایل این‌اشکال در تمایل فیلم‌سازان به ارائه جذاب و زیبایی‌شناسانه در

هنر سینماست، از این رو، اغلب با

بهره‌گرفتن از تدوین هر چند زیبا و هنرمندانه، به ساختار تک‌نگاشت
فیلم لطمه زده‌اند. برجسته‌ترین مستندسازان جهان که فیلم‌های
تک‌نگاشت مردم‌شناسی ساخته‌اند، معتقد به دوربین بی‌واسطه هستند،
ضمن اینکه برخی از دوربین شرکت‌کننده نیز بهره می‌جویند. آنها معتقدند
هر قالب از فیلم‌هایی که به دست می‌آید بخشی از مدارک مردم‌شناسی
است. در نتیجه بر این عقیده اصرار دارند که فرآیند تدوین فیلم تا حدود
زیادی به ساختار «تک‌نگاشت» ها صدمه وارد می‌سازد. در واقع
مردم‌شناسان بر این باورند که سینما بایستی وسیله‌ای برای ثبت
ویژگی‌های مردم‌شناسی باشد نه اینکه مردم‌شناسی از طریق سینما، معنا
و مفهوم می‌یابد.

نتیجه اینکه دوربین فیلمبرداری از سال‌های گذشته تاکنون همانند
قلم در خدمت پژوهش‌های مردم‌شناسان قرار گرفته است و فیلم‌های
«تک‌نگاشت» ماحصل بنیادی چنین فعالیت‌های میان رشته‌ای
(interdisciplinary) مابین هنر سینما و دانش مردم‌شناسی است.

ژان روش معتقد بود که موضوع مردم شناختی، خود، شرایط دور بین و موقعیت فیلم ساز را مشخص می کند، بنابراین، هر چند ممکن است که در مقابل دور بین اتفاقاتی غیر منتظره رخ دهد اما مانعی ندارد که این رویدادها نیز جزیی از فیلم تلقی شود



ژان روش

مردم شناختی بهره نبرده اند و اغلب این فیلم ها از خصوصیات تک نگاشت فارغ بوده اند.

در سال ۱۳۵۲ فیلم لحظاتی چند با دراویش قادری ساخته ی منوچهر طبری ۵۶-۱۳۵۴ و مطرب عشق در همین ارتباط و توسط همین فیلمساز، و نیز در سال ۱۹۷۳ دراویش کردستان ساخته اندروسنیگر و علی بلوک باشی را باید تلاش های قابل قبولی در زمینه ی مردم شناسی دانست.

فیلم هایی همچون بادجن ساخته ی ناصر تقوایی در سال ۱۳۵۰ و آزار سرخ ساخته ی غلامحسین طاهری دوست در سال ۱۳۵۰ دو تلاش ارزنده در ارتباط با مراسم زار و اهل هوا در مناطق جنوبی ایران بودند. این دو فیلم در حوزه ی پژوهش های قوم شناسی از ویژگی های بارزی برخوردار بودند اما فیلم تقوایی را می توان تا حدود زیادی یک تک نگاشت شاعرانه دانست. در زمینه ی مراسم و آیین های مذهبی در ایران، فیلم های ارزنده دیگری نیز ساخته شده است که مهمترین آنها را می توان اربعین و مشهد اردهال در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ ساخته ناصر تقوایی تلقی کرد. اگر چه این دو فیلم دارای ویژگی های مردم شناسانه بودند ولی هیچ کدام را نمی توان به تعبیر مردم شناسان، تک نگاشت دانست.

دو فیلم ارزنده ی فرهاد مهران فر یعنی بچه گرگ های بام گیلان در سال ۱۳۷۵ و بره ها در برف به دنیا می آیند، ساخته شده در سال ۱۳۶۷ را می توان دارای ویژگی های مستند تک نگاشت تلقی کرد. مهران فر در این دو فیلم به دو قوم «گالشان» و «کادوسیان» در شمال ایران توجه می کند و زندگی خاص آنها را تا حدود زیادی مورد بررسی قرار می دهد. او از این رهگذر، فیلم های مؤثر و گیرایی با ابعاد مردم شناسی تهیه می کند.

نتیجه گیری:

بحث پیرامون فیلم های بسیاری که در سینمای مستند ایران ساخته شده است و دارای ویژگی های مردم شناسانه و حتی قوم شناسانه



مارسل مائوس

در حقیقت فیلم افشار نادری سینمای مشاهده گر است. او در میان عشایر مدت ها زندگی کرد و فیلم ساخت اما فیلم طاهری دوست از ویژگی زیبایی شناسی متفاوتی برخوردار است، شاید بتوان گفت که فیلم افشار نادری به یک تک نگاشت و خصوصیات تک نگاری در سینمای مستند نزدیک تر است.

در حوزه ی سینمای مستند مردم شناسی در ایران، به خصوص از دهه ی پنجاه تا کنون فیلم های زیادی در ارتباط با موضوعاتی از قبیل، مراسم و آیین های مذهبی، جابجایی اقوام کوچنده، مشاغل سنتی و مراسم و آیین های تاریخی گذشتگان در تیره های مختلف قومی ساخته شده است اما به واقع هیچ کدام از روشمندی خاصی متکی بر پژوهش های